



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1203

Lesson No: 1203 Tags: American Language Course, UNIT 1203, Glossary

<b>May I help you, sir?</b>	می تونم کمکتون کنم، قربان؟	<b>Alterations</b>	تغییراتی که در لباس می دهند، مثلاً کوتاه کردن دم پا یا کمر و...
<b>Look for</b>	جستجو کردن، دنبال چیزی گشتن	<b>Would you like...?</b>	دوست داری...؟ تمایل دارید...؟
<b>Suit</b>	کت شلوار	<b>Dressing room</b>	اتاق پرو، رختکن
<b>Size</b>	سایز، شماره	<b>Trousers</b>	شلوار (این کلمه همیشه به صورت جمع به کار می رود.)
<b>I'll be glad to ...</b>	خوشحال می شم که ...	<b>Let me...</b>	بذار...، اجازه بده به من...
<b>Show</b>	نشان دادن	<b>Take a look at...</b>	یه نگاهی انداختن به...
<b>Some</b>	قدری، یه مقدار	<b>Over here</b>	همینجا، کلمه over برای تأکید آمده است.
<b>Particular</b>	خاص، مخصوص	<b>Tag</b>	برچسب، لیبل
<b>Color</b>	رنگ	<b>Expensive</b>	گران
<b>I'd like = I want</b>	می خوام	<b>As expensive as</b>	به گرانی
<b>Gray</b>	خاکستری	<b>Because</b>	چونکه
<b>Nice</b>	خوب	<b>Lined</b>	آستر دار
<b>As dark as</b>	به تیرگی	<b>Material</b>	پارچه
<b>Darker</b>	سیر تر (رنگ)	<b>Let's... = Let us...</b>	بیایید...
<b>You had in mind.</b>	شما در نظر داشتید.	<b>See about</b>	بررسی کردن، رسیدگی کردن
<b>Look like</b>	شبیه بودن	<b>Let's see about...</b>	بیایید بینیم...، بیایید بررسی کنیم...
<b>That looks more like it.</b>	اون بیشتر شبیهش است.	<b>Here they are.</b>	بفرمایید. (با اشاره به تعداد جمع)
<b>Take off</b>	گندن، در آوردن لباس	<b>Here you are.</b>	بفرمایید. (با اشاره به یک شیء)
<b>Try on</b>	پوشیدن لباس برای امتحان کردن آن، پرو کردن	<b>Over there</b>	همانجا، کلمه over برای تأکید آمده است.
<b>Sleeve</b>	آستین	<b>Have</b>	دادن (فعل سببی)
<b>Enough</b>	کافی	<b>Length(n.)</b>	طول
<b>Then</b>	پس	<b>I'll have the tailor see about the length.</b>	می دم خیاط طولش رو بررسی کنه. این ساختار سببی است.
<b>Style</b>	سبک، طرح	<b>Tailor</b>	خیاط
<b>Different</b>	متفاوت	<b>Charge</b>	هزینه
<b>Probably</b>	احتمالاً	<b>Is there a charge for having the cuffs fixed?</b>	آیا درست کردن دم پا (یا سر آستین) هزینه داره؟ این ساختار سببی است.
<b>Fit(n.)</b>	اندازه بودن، مناسب بودن از نظر سایز و...	<b>Cuffs</b>	دم پای شلوار، سر آستین
<b>Feel</b>	احساس کردن، بودن	<b>Fix</b>	تعمیر کردن، درست کردن (لباس و...)
<b>Comfortable</b>	راحت	<b>Is there anything else you need?</b>	چیز دیگری شما نیاز ندارید؟
<b>OK</b>	مناسب، اوکی	<b>Slacks</b>	شلوار غیر رسمی، شلوار راحتی (این کلمه همیشه به صورت جمع می آید).
<b>That <u>does</u> look good.</b>	آن واقعاً قشنگه. در اینجا does فعل کمکی است که برای تأکید فعل اصلی آمده است.		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1203

Lesson No: 1203 Tags: American Language Course, UNIT 1203, Glossary

Shirt	پیراهن	As pretty as	به خوشگلی، به قشنگی
Tie	کروات	Does this coat fit?	آیا این کت اندازه است؟
Sport shirt	پیراهن غیر رسمی، پیراهن اسپرت	The same	یکسان، مشابه، عین هم
Dress shirt	پیراهن رسمی	The material is the same.	[جنس] پارچه اش یکی است.
Plain	ساده، معمولی، بدون نقش و نگار	Let's see about the size.	بگذارید سایز رو بررسی کنیم.
How about...	چطوره...؟	Do you charge for that?	آیا شما هزینه می گیرید برای آن؟
How about this one?	این یکی چطوره؟	He picked it up yesterday.	او دیروز او مد بردش.
That looks fine.	خوب به نظر می رسه. خوبه.	Wear	پوشیدن
How much is it?	چنده؟ قیمتش چقدره؟	Turn on	روشن کردن
Take	گرفتن، خریدن، بردن	Outside	بیرون، خارج
All right. I'll take it.	بسیار خوب. می برم.	We <u>have to</u> have our television fixed.	ما باید بدیم تلویزیونمون رو تعمیر کنند. این ساختار سببی است.
In all	روی هم رفته، مجموعاً، کلاً	Measure	اندازه گیری کردن
How much is that in all?	کلاً چقدر شد؟	He'd like to buy some ties.	او تمایل دارد تعداد کروات بخرد.
Tax	مالیات	Lost	گذشته و اسم مفعول فعل lose به معنی گم کردن
Cash	نقدی، پول نقد	Go with	مناسب بودن، با هم جور بودن
Charge	نسیه، حساب نسیه	Have in mind	در نظر داشتن، قصد داشتن (بعد از این عبارت فعل به صورت ing می آیند.
Charge account	حساب نسیه، حساب اعتباری	Laundry	لباسهای شستنی
Check	چک (بانکی)	I <u>do</u> need a shirt.	من واقعاً یک پیراهن نیاز دارم. در اینجا do فعل کمکی است که مفهوم تأکید را به جمله اضافه می کند.
If it's all right.	اگر مانعی نیست. اگر اشکالی ندارد.	As good as	به خوبی
That'll be fine.	خوبه. موردی نیست.	Alike(adj.)	شبه
Pick up	برداشتن، گرفتن	The same as	همانند، مشابه
Any time	هر زمانی	Different from...	متفاوت از...
Would you like us to send it?	می خواهید ما براتون ارسال کنیم؟	Circle	میدان، فلکه
I'll pick it up.	خودم میام می برم.	Clothes	لباس
Come back to see us.	بازم تشریف بیارید. ببینمتون دوباره.	Laundry	مغازه خشک شویی، مغازه لباسشویی
Have in mind	در نظر داشتن	Watch	ساعت مچی
Fitting room	اتاق پرو	Get in	سوار شدن (به خودروهای سواری و تاکسی و مانند آن)
Button	دکمه	Need to	ضروری بودن
Collar	یقه		
Button-down collar	یقه دکمه دار		
Pattern	الگو، مدل، نمونه		
Pattern practice	تمرین الگو		
Pretty	خوشگل، زیبا		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1203

Lesson No: 1203 Tags: American Language Course, UNIT 1203, Glossary

<b>Do you need to try on a shirt before you buy it?</b>	آیا ضروری است که شما پیراهن را قبل از خرید بپوشید و امتحان کنید؟	<b>Compare</b>	مقایسه کردن
<b>Interrogative</b>	سؤالی، استفهامی	<b>Similar</b>	مشابه
<b>Sandwich</b>	ساندویچ	<b>Qualities</b>	خصلتها، ویژگیها
<b>Airport</b>	فرودگاه	<b>As much as</b>	به اندازه
<b>Suggestion</b>	پیشنهاد	<b>As many as</b>	به تعداد
<b>Put</b>	بنزین زدن به خودرو، باد زدن به تایر خودرو	<b>Building</b>	ساختمان
<b>Put some gas in the car.</b>	یه مقدار بنزین بزَن به ماشین.	<b>Sister</b>	خواهر
<b>Gas</b>	بنزین	<b>Instead of</b>	به جای
<b>Error</b>	خطا، اشتباه	<b>Seem</b>	به نظر رسیدن
<b>Candy</b>	آب نبات	<b>Like(Prep.)</b>	شبهه، همانند، مثل
<b>Several</b>	چندین	<b>Brother</b>	برادر، داداش
<b>State</b>	ایالت	<b>The other one</b>	اون یکی دیگَر
<b>Cleaning</b>	لباس شستنی	<b>Of</b>	دارای
<b>He picked up some cleaning.</b>	او مقداری لباسهای شستنی را اومد برد.	<b>Adjectives of one syllable</b>	صفات دارای یک بخش
<b>No(adj.)</b>	هیچ، صفت منفی کننده اسمها	<b>Syllable</b>	بخش، هجاء
<b>Not(adv.)</b>	قید منفی کننده فعل	<b>Form(v.)</b>	شکل دادن
<b>Modify(v.)</b>	توصیف کردن	<b>Comparative</b>	مقایسه ای، تفضیلی
<b>He has <u>no</u> classes.</b>	او هیچ کلاسی ندارد.	<b>Adding</b>	اضافه کردن
<b><u>Not</u> a student in her class was late.</b>	حتی یک نفر هم در کلاس آن خانم دیر نیامد. در اینجا قید not به جای اینکه بعد از فعل was بیاید، برای تأکید بیشتر در ابتدای جمله آمده است.	<b>Positive</b>	مثبت
<b>Present</b>	غایب	<b>Form(n.)</b>	شکل
<b><u>Not</u> two people were present.</b>	حتی دو نفر هم حاضر نبودند.	<b>Positive form</b>	شکل مثبت
<b>Booth</b>	اتاقک، غرفه، کیوسک	<b>Better</b>	بهتر (شکل تفضیلی good)
<b>Lab</b>	لابراتوار، آزمایشگاه زبان	<b>Worse</b>	بدتر (شکل تفضیلی bad)
<b>Absent</b>	غایب	<b>More</b>	بیشتر (شکل تفضیلی many و much)
<b>Family</b>	خانواده	<b>Less</b>	کمتر (شکل تفضیلی little)
<b>He has no family here.</b>	او هیچ خانواده ای در اینجا ندارد.	<b>Place</b>	قرار دادن
<b>Comparison</b>	مقایسه	<b>Interesting</b>	جالب
<b>Way</b>	راه رو روش	<b>Difficult</b>	مشکل، سخت، دشوار
		<b>Connect</b>	مرتبط کردن
		<b>Brown</b>	قهوه ای
		<b>Mistake</b>	اشتباه
		<b>Weather</b>	هوا، آب و هوا
		<b>As interesting as</b>	به جالبی



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1203

Lesson No: 1203      Tags: American Language Course, UNIT 1203, Glossary

Take a look at this suit.	یه نگاه به این کت شلوار بنداز.	My car's not working.	ماشینم خرابه.
Do you charge for the work?	آیا برای کار پول می گیرید؟	What time shall we meet?	چه ساعتی ملاقات کنیم؟
Look good on	به کسی آمدن(مثلاً لباس، اکسسوری و...)	Suggest	پیشنهاد دادن
Does that look good on you?	آیا اون بهت میاد؟	Where shall we go?	کجا [پیشنهاد می دید] بریم؟
Look like	شبییه بودن	What about...?	چطوره...؟ (برای پرسیدن نظر دیگران)
That looks like it.	آن شبیه این است.	What about the National Club?	نشال کلاب(کلوب ملی)
That will look like it.	آن شبیه این خواهد بود.		چطوره؟ نام یک محل است.
I have this color in mind.	من این رنگ را در نظرم دارم.	Club	باشگاه
Other	دیگر	Quieter	ساکت تر
Fly	پرواز کردن	Quiet	ساکت و آرام
Where did I go then?	بعدهش کجا رفتم؟	That sounds like music.	به نظر صدای موسیقی میاد.
How did I go home?	چطوری من رفتم خونه؟	His voice sounds like mine.	صداش شبیه صدای منه.
Recognize	تشخیص دادن	Do you sound the same?	آیا شماها صداهاتون مثل همه؟
Voice	صدا	Change	عوض کردن، تغییر دادن
Sound(v.)	به نظر رسیدن(از طریق چیزهایی که شنیده می شوند).	Bring	آوردن
Look(v.)	به نظر رسیدن(از چیزهایی که دیده می شوند).	Do you expect to arrive together?	آیا انتظار دارید با هم برسید؟
You and your brother sound alike.	صدای شما و برادرتون شبیه به نظر می رسه.	Theater	تئاتر
Do you know who I am?	می دونی من کی هستم؟	The mountains	کوهستان
Either	همچنین(در انتهای جملات منفی می آید).	Reduced	کاهش یافته، کوتاه شده
Remember	به خاطر آوردن	Consonant	حرف بی صدا
College	کالج، دانشکده	Curve	خم کردن، منحنی دار کردن
College roommate	هم اتاقی دوران دانشگاه	Curve the tip of the tongue back.	نوک زبان را به سمت عقب خم کنید.
Come from	از جایی آمدن، اهل جایی بودن	Side	کنار، کناره
I come from Italy.	من اهل ایتالیا هستم.	Back teeth	دندانهای عقبی
Where did you come from?	کجا بودی تو؟ مشتاق دیدار! رسیدن به خیر! این طرفها؟!	Star	ستاره
Get in	رسیدن، سر رسیدن		
I got in last night.	دیشب رسیدم.		
Get together	دور هم جمع شدن، ملاقات کردن		
Together	با هم		
Let's have dinner together tonight.	بیاید امشب شام دور هم باشیم.		
Transportation	وسیله نقلیه، حمل و نقل		